

باغ صفا

(باغی پر گل و زیبا با درختهای سبز و بلند، نهر آبی در وسط باغ در جریان است)

قصه گو ۱: دوستای خوبم! سلام!

امروز من و دوستانم میخوایم یک نمایش واستون اجرا کنیم، که امیدوارم خوشتون بیاد

اسم نمایش ما هست "باغ صفا"

قصه گو ۲: پروانه ها زیبا درسته؟ خب منم میخوام در مورد چندتا پروانه ی زیبا و دوست داشتنی واستون بگم

خودتون ببینید

(پروانه ها با موسیقی و شادی وارد میشوند)

شعر پروانه ها:

توپ سفیدم قشنگی و نازی

حالا من میخوام برم به بازی

بازی چه خوبه با بچه های خوب

بازی میکنیم با یه دونه توپ

چون پرت می کنم توپ سفیدم را

از جا می پره میره تو هوا

قل قل میخوره، تو زمین بازی

یک و دو و سه و چهار و پنج و شش

پروانه ۱: وای چه روز قشنگی، من خیلی خوشحالم

پروانه ۲: آره منم خیلی خوشحالم (دست تکان میدهد) خورشید خانم سلام

پروانه ۳: بالهای ما خیلی قشنگه مگه نه؟

پروانه ۴: آره ما واقعا خوشکلیم

پروانه ۵: بله ما پروانه ها زیبا و خوش و آب و رنگیم (هر سه میخندند)

(زنبورها وزوزکنان و بال زنان وارد میشوند)

زنبور ۱: شماها اینجا اینجایی؟ میدونین جقدر دنبالتون گشتم؟

پروانه ۳: واه واه واه بازم این زنبورهای مزاحم پیدا شون شد

زنبور ۲: با ما بودی؟

پروانه ۱: خب معلومه! شما اینجا چیکار میکنین؟

پروانه ۲: چرا ماها هر جا که میریم دنبالمون راه می افتی؟

زنبور ۳: خب دلمون میخواد باهاتون دوست بشم

پروانه ۳: نخیرم ما با شما دوست نمیشیم

(چند گل خمیازه ای میکشن و متوجه پروانه ها و زنبورها میشن)

گل ۱: اینجا چه خبره؟

گل ۲: شما دارین با هم دعوا میکنین؟

زنبور ۴: اینا با ما دوست نمیشن

گل ۳: چرا؟ مگه زنبورها چیکار کردن؟

پروانه ۵: آخه اونا زشتن. به درد نمیخورن

گل ۴: شما اشتباه میکنید. زنبورها از شیر گل ها استفاده میکنن و یه چیز خوشمزه مثل عسل درست میکنن

پروانه ۱: عوضی اصلاً زیبا نیستن، ما روبین چقدر خوشگلیم؟

پروانه ۲: بیاین بریم. من دیگه اصلاً دوس ندارم این جابمون!

پروانه ۳-۴-۵: باشه بریم (همه پروانه ها خارج میشوند)

زنبورها: کجا میرین؟ بذارید ما هم بیایم. ما میخوایم با شما دوست بشیم

گل ۵: غصه نخورین! شما دوستای خوب ما هستین

زنبورها: واقعا ممنونیم

(صدای کمک کمک پروانه ها از دور شنیده میشود)

زنبور ۱: چه خبر شده؟ انکار پروانه هان

گل ۱: آره انکار کمک میخوان

گل ۲: یعنی چی شده؟

(پروانه ها سراسیمه وارد صحنه میشوند)

پروانه ها: کمک کمک کنین

پروانه ۳: چندتا بچه دنبالمون راه افتادن میخوان ما رو بگیرن و بالهامونو بچینن

پروانه ۴: حالا چیکار کنیم؟

پروانه ۵: من میترسم (گریه می کند)

زنبور ۲: نگران نباشین. ما کمکتون میکنیم

پروانه ۱: چه جوری؟ شما که خیلی کوچیکین (گریه میکند)

زنبور ۳: یادتون رفته؟ ما نیش داریم نیش میزنیم. کسی حق نداره اذیتتون کنه

(سروصدای بچه ها شنیده میشود)

گل ۳: وای زنبورها شما چقدر مهربونید!

(زنبورها وزوز کنان خارج میشود)

گل ها: موفق باشین زنبورها

(صدای بچه ها از بیرون صحنه شنیده می شود)

بچه ها: وای زنبور، آخدوای، آی آی گوشم!

(گل ها و پروانه ها در صحنه شادی میکنند)

(زنبورها وارد صحنه میشوند)

پروانه ۱ و ۲: زنبورهای مهربون ما رو ببخشید

پروانه ۳ و ۴: شما جون ما رو نجات دادید

پروانه ها: ما ازتون ممنونیم، از این بعد شما دوستهای خوب ما هستید

(همه با هم شادی میکنند)